

عنوان:

مدیریت معنوی ائمه در عرصه خانواده و تربیت

فاطمه خیراندیش^۱

چکیده

خانواده مهمترین و اصلی ترین نهاد اجتماعی است که شخصیت و هویت هر انسانی بسته به آن است و در تعیین سرنوشت انسانها و جوامع نیز یکی از مهمترین عوامل است از این رو اسلام هیچ نوع سهل انگاری و بی برنامگی را برای خانواده نمی پسندد و در مورد کوچک ترین مصالح و نیازهای خانواده تعیین مقررات فرموده است.

از سوی دیگر، خانواده یکی از مهمترین نظامها و نهادهای بنیادین جوامع بشری محسوب می شود و نحوه ی مدیریت آن باید در دستور کار فکری اندیشمندان قرار گیرد. اگر خانواده مهمترین نهاد تأثیرگذار در رشد، تعادل و شکوفایی افراد جامعه باشد، توجه به این نهاد و بررسی راهکارهای مدیریت این نهاد می تواند اولویت اصلی اندیشه های بشر باشد. در سرلوحه ی این فرهنگ، خداوند کریم به شیواترین سخن به اهمیت این مسأله توجه داده است. لذا در این مقاله به تعریف مدیریت، مدیریت معنوی، ضرورت مدیریت بر اساس آیات، و ثمره ی که بر تأمین سعادت دارد، هدف تربیت می پردازد، همچنین سیره امام موسی کاظم علیه السلام و و معصومین علیهم السلام بررسی می شود.

کلید واژه: مدیریت، معنوی، خانواده، تربیت.

۱. طلبه پایه سوم، حوزه علمیه ام الائمه علیهم السلام، شهرستان اقلید.

تعریف مدیریت

هنر اداره مجموعه امکانات و استعدادهای مادی و معنوی در یک سازمان را، براساس آگاهی‌های مناسب، به خاطر بهتر رسیدن به هدف را «مدیریت» می‌گویند. بعضی برای تفهیم و تعریف مدیریت از مثالی کمک گرفته‌اند و مدیریت را در قالب یک نمونه عینی تعریف نموده‌اند و گفته‌اند: رهبر ارکستر که با حرکت‌های دست و اشاره‌های اندام و اعضا نوای سازه‌ها و آهنگ آوازا را هماهنگ می‌کند، مدیریت می‌نماید او را می‌توان مدیر گفت؛ بنا بر این مثال، می‌توان مدیریت را اینطور تعریف کرد که: «هنر هماهنگ ساختن یک مجموعه و هدایت آن مجموعه را به طرف مقصود مدیریت گویند».^۱

مدیریت معنوی

مدیریت معنوی به یعنی امکانات و استعدادهای معنوی است به طوری که مادیات در یک سازمان بر اساس آگاهی‌های مناسب به خاطر رسیدن به هدف در نظر گرفته نمی‌شود.^۲

قرآن و ضرورت مدیریت

قرآن کریم ضرورت مدیریت را در موارد گوناگون و با شکل‌ها و شیوه‌های خاصی بیان می‌دارد تا جامعه بشری را به این اصل اساسی متوجه سازد. مطالعه در داستان‌های قرآنی که حاصل سرگذشت پیامبران بزرگ و مردان برجسته تاریخ هست، این معنا را بهتر روشن می‌کند. از داستان‌های پرشور قرآنی که در

۱. رضا، تقوی، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۹۵، ص ۲۴.

بردارنده‌ی نکته‌های فروان و آموزش‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون هست داستان حضرت ابراهیم علیه السلام است در این داستان موضوع امامت در رهبری حضرت ابراهیم علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد.

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» و آنگاه که خداوند، ابراهیم را به انواع فرمان‌ها آزمایش کرد و با سرافرازی از آزمایش بیرون آمد از جانب خداوند به او گفته شد من تو را به امامت و مدیریت مردم برگزیدم.^۱ ابراهیم علیه السلام گفت: آیا این پیشوایی به فرزندان من خواهد رسید. فرمود: اگر دارای صلاحیت باشند و گرنه امانت و مدیریت من به ستمگران نمی‌رسد.

تربیت و تأمین سعادت

مهم‌ترین هدفی که مربیان باید در نظر داشته باشند، تأمین سعادت و خوشبختی افراد مورد تربیت است. لیکن این موضوع قابل بحث است که سعادت انسان در چیست تا در همان طریق تربیت شود و آیا سعادت انسان فقط در تأمین نیازهای اقتصادی و تمتع از رفاه مادی و لذت‌های حیوانی است؟ یا برای سعادت‌مند شدن، چیزهای دیگر هم ضرورت دارد؟

به عقیده همه ادیان آسمانی، مخصوصاً دین مقدس اسلام، زندگی انسان در همین زندگی دنیوی و ظاهری خلاصه نمی‌شود بلکه در همین جهان زندگی دیگری نیز دارد که در باطن و مخفی است. انسان در عین حال که در این جهان زندگی می‌کند و به خوردن، آشامیدن، کارکرده و شهوت رانی اشغال دارد، در باطن ذات نیز به یک زندگی مخفی ادامه می‌دهد. چنان چه زندگی دنیوی انسان می‌تواند قرین سعادت و

۱. سوره بقره، آیه ۶۹.

خوشبختی یا شقاوت و بدبختی باشد، در زندگی باطنی انسان نیز همین دو امر امکان دارد.^۱ انسان در ذات یا به‌سوی سعادت و کمال سیر می‌کند یا به‌سوی نقصان و رنج و ظلمت حرکت می‌نماید. سعادت واقعی انسان وقتی تأمین می‌شود که در هر دو زندگی، خصوصاً در زندگی باطنی و نفسانی سعادت‌مند باشد.

انسان از بعد جسمانی و حیوانی، نیازمندی‌هایی دارد که باید تأمین شود تا بتواند سالم و راحت به زندگی خویش ادامه دهد. او نیاز به غذا، لباس، مسکن، غریزه جنسی و دیگر تمتعات مادی دارد که باید تأمین شود باسعادت‌اند و خوشبخت باشد. البته بدیهی است که انسان برای تأمین نیازمندی‌هایش باید کار و کوشش کند. بنابراین، مربیان باید به تغذیه سالم و سودمند افراد مورد تربیت، رعایت بهداشت و پرورش اعضا و جوارح و ارضای صحیح و مشروع غریزه جنسی، پرورش نیروی و فکری و تمرین در کار و کوشش آن‌ها کاملاً توجه کنند تا بتوانند افراد باهوش، سالم، مؤدب، دانشمند و پرکار تربیت کنند که در زندگی، خوش و سعادت‌مند باشد. اما اگر کار مربیان در همین حد خلاصه شود، نه آن‌ها تمام وظیفه خود را انجام داده‌اند و نه افراد مورد تربیت به سعادت و کمال واقعی خود نائل شده‌اند، زیرا حیات انسان در همین زندگی زودگذر حیوانی خلاصه نمی‌شود، بلکه زندگی نفسانی دیگری نیز دارد که مربیان باید به فکر آن هم باشند؛ بلکه بیشتر تلاش و همت خود را صرف آن کنند. زندگی باطنی گرچه با چشم دیده نمی‌شود، واقعیت و تحقق دارد و پیامبران از آن خبر داده‌اند.^۲ خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره روم قرآن کریم می‌فرماید: «به ظاهر زندگی دنیا علم دارند ولی از زندگی آخرت (باطنی) غافل هستند در قیامت که پرده‌های تاریک مادیت از چشم انسان برداشته شد، به واقعیت و فعلیت خویش که در دنیا تهیه کرده، پی خواهد برد».

۱. ابراهیم، امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، قم، نشر اولیا و مربیان، ۱۳۸۷، ص ۹۱.

۱. همان، ص ۹۲.

از این قبیل آیات و احادیث استفاده می‌شود که انسان در همین جهان به پرورش نفس خویش و تأمین زندگی اخروی اشتغال دارد. انسان به وسیله عقاید و افکار، ملکات و خوی‌ها، محبت‌ها و بغض‌ها، با عمل‌های خوب یا بدی که انجام می‌دهد و در نفس اثر می‌گذارند، تدریجات ساخته می‌شود و پرورش می‌یابد. حیات اخروی او نیز به همین عوامل بستگی دارد. ایمان و معارف حق، فضایل و مکارم اخلاق، توجه و یاد خدا، اطاعت از خدا و جلب رضایتش و انجام عمل‌های صالح و کارهای نیک، روح ملکوتی انسان را در مدارج کمال آدمی صعود می‌دهند و به مقام قرب الهی نائل می‌گردانند و در اثر آن، حیات جدید و پاکیزه‌ای پیدا می‌کند؛ بنابراین زندگی نفسانی و باطنی، حیاتی واقعی است. انسان در باطن ذات، مسیری واقعی را طی می‌کند یا به سعادت و کمال نفسانی و اخروی‌اش منتهی می‌شود و یا به شقاوت و هلاکت وی منجر می‌گردد.

مربیان باید به این واقعیت بسیار مهم کاملاً عنایت داشته باشند و برنامه‌های تربیتی خود را طوری تنظیم کنند که به زندگی نفسانی لطمه‌ای وارد نشود. در اجرای آن برنامه‌ها نیز همواره جانب نفس و زندگی باطنی و سعادت و کمال اخروی را مقدم بدانند بلکه آن را هدف اصلی محسوب کنند. مربیان باید به افراد مورد تربیت تفهیم کنند که آنان حیوان نیستند، بلکه انسانند و دارای یک زندگی نفسانی و باطنی هستند. سعادت و کمالی برایشان مقرر شده که باید برای نیل به آن کوشش و تلاش کنند و نیز راه رسیدن به آن کمال را در اختیارشان قرار دهند و در پیمودن راه، یار و مددکارشان باشند و مراقبت کنند که از راه منحرف نشوند.^۱

۱. ابراهیم، امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، همان، ص ۱۰۴.

چوب تر را چنان که خواهی نشود خشک جز به آتش راست

۱۱. هرکس که در کودکی آموزش‌های لازم را نبیند در دوران جوانی و بزرگسالی زمینه‌های رشد را از دست می‌دهد و رشد و بالندگی نخواهد داشت.^۱

والدین و تربیت دینی فرزندان در سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام

مراجعه‌ی اجمالی به سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که خود آنان به تربیت دینی فرزندان خود اهمیت می‌داده و یاران و پیروان خود را نیز به این امر سفارش می‌کردند. یکی از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند:

«من با گروهی از طایفه‌ی خود که همگی در سن جوان بودیم، نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتیم و بیست روز نزد ایشان ماندیم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهربان و دلسوز بود. زمانی که اشتیاق ما به خانواده‌هایمان را دید، فرمود: به سوی خانواده‌های خود برگردید، در میان آنان بمانید، آنان را امر (به نماز و سایر دستورهای دینی) کنید، به آنان آموزش دهید و چنان که دیدید من نماز می‌خوان، نماز بخوانید».^۲

این سیره به روشنی بیان می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تربیت دینی فرزندان و حتی همسران را وظیفه پدر می‌داند و بر این امر نیز تاکید دارد. در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که ایشان فرمودند:

۱. رضا، تقوی، سیره تربیتی حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، همان، ۲۵۹.

۲. محمد، داوودی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چاپ هشتم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ص ۲۶۹.

«پدرم ما را (قبل از طلوع خورشید) جمع می‌کرد و دستور می‌داد تا طلوع خورشید ذکر خدا بگوییم و به هر کدام از ما که قرأت قرآن می‌دانست، دستور قرأت قرآن می‌داد».

این سیره نیز بیانگر این است که معصومان علیهم‌السلام به عنوان پدر، به تربیت دینی فرزندان خود اهتمام داشتند. در رساله‌ی حقوق زین‌العابدین علیه‌السلام نیز «نیکیو ادب کردن فرزندان، راهنمایی او به سوی خداوند عزیز و جلیل و یاری او بر اطاعت خداوند» از حقوق فرزندان بر پدران شمرده شده است. این روایت نیز به صراحت پدر را مسئول این امر می‌داند.

از مجموع آنچه گفتیم به دست می‌آید که از نظر معصومان علیهم‌السلام پدر، مسئول تربیت دینی فرزندان است. البته در اینجا ذکر این مطلب لازم است که این سیره معصومان علیهم‌السلام ریشه در قرآن دارد؛ خداوند متعال در قرآن به والدین امر کرده است تا به تربیت دینی فرزندان خود اهتمام ورزند. در دو آیه به صراحت این موضوع بیان شده است: نخست در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خود را از آتشی که هیزم آن‌ها انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگاه دارید».^۱ با توجه به اینکه نگاه داشت خود و خانواده از آتش دوزخ، جز از راه عمل به دستورهای خداوند متعال حاصل نمی‌شود و از سوی دیگر، عمل به دستورهای خداوند نیز متوقف بر تربیت دینی صحیح است، این آیه دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال، والدین را مسئول تربیت دینی فرزندان می‌داند روایاتی که در ذیل این آیه نقل شده است نیز همگی بیانگر این موضوع است. به عنوان مثال در روایتی آمده است: «زمانی که این آیه (آیه ۶ سوره تحریم) نازل شد، یکی از مسلمانان نشست و مشغول گریه شد و می‌گفت: من از دست خودم عاجز بودم، اکنون مسئول خانواده خود نیز شدم. در این

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: همین که آنان را به آنچه خود را به آن امر می‌کنی، امر کنی و از آنچه خود را از آن نهی می‌کنی، نهی کنی (برای انجام مسئولیت) کفایت می‌کند».

دوم در آیه ۱۳۲ سوره طاهّا، خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» و خانواده‌ی خود را به نماز امر کن و بر آن شکیبا باش». در تفسیر نورالثقلین در ذیل این آیه از امام رضا علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمودند: این از ویژگی ما اهل بیت است که علاوه بر اینکه خداوند ما را همراه با مردم امر به نماز کرد، به صورت جداگانه نیز ما را به این کار مأمور کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه نه ماه هر روز هنگام اوقات نماز، بر در خانه‌ی علی و فاطمه علیهم السلام می‌ایستادند و می‌فرمودند: «نماز! خداوند شما را مشمول رحمت خود کند».

این آیه با توجه به روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده است، قطع نظر از اختلافی که در معنای اهل بیت علیهم السلام و در زمان نزول آن وجود دارد، به روشنی به این امر دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مسئول خانواده موظف شده بود خانواده‌ی خود را به نماز امر کند و ایشان نیز این دستور را انجام می‌دادند.

نتیجه گیری

خانواده از نهادهای مهم جامعه است که تربیت در این نهاد تأثیرگذار است. اهل بیت علیهم السلام در این نهاد تأثیرگذار سفارشات فراوانی کرده‌اند، آنان به تربیت فرزند تأکید داشتند. از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام و روانشناسی نقش تربیت بیشتر توسط پدر ایفا می‌شود چرا که او مدیریت و ریاست خانواده را برعهده دارد.

البته باید به این توجه کرد که تربیت فقط بعد جسمانی و رشد و نمو نیست و مربیان و والدین باید به تربیت روح هم توجه داشته باشند. از طرفی مهم‌ترین هدف تربیت تأمین سعادت و خوشبختی افراد مورد تربیت است. همچنین باید توجه کرد که محبت پیوند و ارتباط خانوادگی را مستحکم می‌سازد و وحدت بیشتری را در اعضای خانواده ایجاد می‌کند و در تربیت نقش مهمی دارد.

با مشاهده سیره امام موسی کاظم علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام در محیط خانواده و منش و الگوی رفتاری ایشان می‌توان آن را بعنوان برترین نمونه برگزید و در تربیت فرزند از آن‌ها بهره جست. همچنین مشکلات نیز برای فرد نقش تربیت دارد و توانایی و قدرت فرد را بالا می‌برد و نوآوری و ابتکاری فرد را به دنبال دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، محمد، دشتی، چاپ یازدهم، تهران، پیام عدالت، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، قم، نشر اولیا و مربیان، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲. تقوی، رضا، سیره تربیتی موسی بن جعفر علیه السلام، بی جا، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، بی تا.
۳. تقوی، رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۹۵ هـ.ش.
۴. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، مترجم: صادق، حسن زاده، چاپ شانزدهم، قم، نشر آل علی علیه السلام، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۶. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله، چاپ هشتم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، چاپ هشتم، تهران، نشر ناصر خسرو، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۸. الهیثمی، أبو الحسن نور الدین، مجمع الزائد، ج ۱، بی جا، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۳، چاپ یازدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ هـ.ش.